

## تحولات برنامه درسی آموزش دینی دوره ابتدایی ایران

نویسنده: دکتر نعمت‌الله موسی‌پور\*

\* استادیار گروه علوم تربیتی دانشگاه شهید باهنر کرمان

### چکیده

آموزش‌های دینی در نظام مکتب‌خانه‌ای و در نظام مدرسه‌ای ایران، همواره مطرح بوده‌اند. از زمان شکل‌گیری آموزش‌های جدید و قانونمند در ایران (۱۲۸۸ ش) بنا به توصیه «قانون اساسی معارف» به تعلیم مقدار لازم واجبات دینی، هیچ‌گاه برنامه آموزش ابتدایی خالی از هدف‌های آموزش دینی نبوده است. هدف‌های آموزش دینی در طول عمر آموزش‌های نوین، گسترده‌تر شده‌اند و صراحت بیش‌تری یافته‌اند و روش آموزش دستخوش تحولاتی شده است؛ طوری که اختیار انتخاب محتوا به برنامه‌ریزان مرکز سپرده شده، اصول سازمان‌دهی بیش‌تر رعایت شده و استفاده از شیوه‌ارایه کتبی غلبه یافته است. همچنین آموزش‌های دینی به پایه‌های پایین‌تر سرایت داده شده و مدت آموزش با فراز و نشیب‌هایی همراه بوده است. در برنامه‌های آموزش دینی، ارزشیابی برنامه درسی نقش لازم را ایفا نکرده و تصمیم‌گیری‌ها، کم‌تر مبتنی بر یافته‌های ارزشیابی بوده است. بنابراین در مجموع، برنامه‌های آموزش دینی دوره ابتدایی، گرچه روندی رو به بهبود داشته‌اند، اما با شکل مطلوب فاصله دارند و نیازمند بازنگری و اصلاح هستند.

**واژه‌های کلیدی:** برنامه درسی، آموزش و پرورش، آموزش ابتدایی، تحولات برنامه درسی، عناصر برنامه درسی، آموزش دینی، دوره ابتدایی

دوماهنامه علمی - پژوهشی

دانشگاه شاهد

سال دهم - دوره جدید

شماره ۳

اسفند ۱۳۸۲

### مقدمه

در آموزش و پرورش ایران، آموزش ابتدایی قانونمند و نظامدار، سابقه چندانی ندارد. «اولین دستور تعلیمات شش ساله ابتدایی و سه ساله متوسطه» در سال ۱۲۸۸ ه.ش. به تصویب وزارت معارف رسیده است [۱]. تا قبل از این تاریخ، آموزش ابتدایی در مکتب‌خانه‌ها رایج می‌شد که از نظم و تشکیلات آموزشی خاصی پیروی نمی‌کردند [۲] و یا حداقل، قواعد آن‌ها مدون و فراگیر نبود.

آشنایی ایرانیان با اروپا، که از طریق ورود هیأت‌های مذهبی، سفرهای پادشاهان ایرانی و اعزام دانشجویان به مغرب زمین حاصل شد، و همچنین نهضت مشروطه، شرایطی را فراهم آورد که آموزش قانونمند به‌عنوان یک حق همگانی تلقی گردد [۳]. قانون اساسی مشروطه، آموزش را همگانی و اجباری اعلام کرد و برای سامان بخشیدن به آن تأسیس وزارت خانه‌ای را پیشنهاد نمود [۴].

## چارچوب نظری و روش بررسی

برای واژه برنامه درسی (Curriculum) آنقدر تعاریف بحث‌انگیز مطرح شده است که پرداختن به آن‌ها نیازمند نگارش یک کتاب است [۷]. در این جا بر پایه نظرات سیلور، الکساندر و لوئیس [۸] که برنامه درسی را «طرحی جهت آماده کردن مجموعه‌ای از فرصت‌های یادگیری برای افراد تحت تعلیم» قلمداد کرده‌اند؛ برنامه درسی به مجموعه تدابیری گفته می‌شود که برای یاددهی - یادگیری شاگردان مدارس طراحی شده‌اند و شواهدی برای دفاع از آن‌ها وجود دارد. این مجموعه تدابیر، راهنمای عمل یاددهنده و یادگیرنده، در موقعیت تربیتی می‌باشند و تدارک آن‌ها با این پرسش نیز همراه است که برای چه اموری از موقعیت یاددهی - یادگیری باید تصمیم گرفت. تصمیم‌گیری درباره متغیرها و موضوعاتی از موقعیت یاددهی - یادگیری که باید برای آن‌ها تدابیری اندیشید، شکل‌دهنده عناصر برنامه درسی است. تفاوت آرا و نظرها درباره عناصر برنامه درسی حائز اهمیت است [۹-۱۲].

تایلر (Tyler) [۱۳]. از هدف، روش، سازمان‌دهی و ارزشیابی، زایس (Zais, R.S.) [۹] از هدف‌ها، محتوی، فعالیت‌های یادگیری دانش‌آموزان و ارزشیابی، آیزنر (Eisner, E.W.) [۱۰] از هدف، محتوی، انواع فرصت‌های یادگیری، سازمان دادن محتوی، روش ارایه، روش پاسخ، و ارزشیابی، وکلاین (Klein) [۱۴]. از هدف، محتوی، مواد و منابع، فعالیت‌های یادگیری، راهبردهای تدریس، ارزشیابی، گروه‌بندی، زمان و فضا به‌عنوان عناصر برنامه درسی یاد کرده‌اند. در این مقاله بررسی عناصر برنامه درسی آموزش دینی، مورد نظر است و باور بر این است که تهیه برنامه درسی با تشخیص ضرورت‌ها و بیان هدف‌های یاددهی - یادگیری آغاز می‌گردد و با تعیین روش (انتخاب، سازمان‌دهی و ارایه محتوا) ادامه می‌یابد و با تدارک طرح ارزشیابی به پایان می‌رسد [۶].

هدف‌ها، نهایی و پایانی هستند که تحقق و دستیابی به آن‌ها مورد نظر است و فعالیت‌ها در جهت آن‌ها سوق می‌یابند. هدف در واقع تغییرات مطلوب در رفتار یادگیرنده را نشان می‌دهد و بیان می‌کند که حد تأیید صلاحیت او چیست [۲۵]. روش، به مجموعه اقدامات و

تأسیس وزارت علوم که پس از انقلاب مشروطه و در زمان محمدعلی شاه قاجار اتفاق افتاد، نقطه عطفی در تاریخ آموزش و پرورش ایران است. این وزارتخانه، در همان اوایل شکل‌گیری، «قانون اساسی معارف» را به تصویب رساند (۱۲۹۰ ش) که براساس آن تعیین برنامه مدارس و مکاتب بر عهده وزارت معارف نهاد شد [۵]. از آن زمان تاکنون، وزارت معارف (تحت نام‌های مختلفی مثل فرهنگ، معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه، و آموزش و پرورش) هفت نوبت برنامه آموزش ابتدایی را در سال‌های ۱۳۰۶، ۱۳۱۶، ۱۳۱۹، ۱۳۲۸، ۱۳۴۲، ۱۳۴۵ و ۱۳۶۷ تغییر داده است. علاوه بر این تغییرات کلی، گاهی نیز برخی عناصر برنامه درسی دستخوش دگرگونی شده‌اند [۶].

بررسی تحولات صد سال گذشته برنامه‌های درسی آموزش ابتدایی ایران، نشان می‌دهد همواره محتوای این ماده قانون اساسی معارف که «پروگرام مکاتب و مدارس ابتدایی و متوسطه باید تعلیم واجبات دینی را به قدر لزوم شامل باشد» [۵]، مورد نظر بوده است. اکنون این پرسش مطرح است که طی این مدت برنامه درسی آموزش دینی چه فراز و نشیب‌هایی داشته است پیگیری پاسخ این پرسش کلی با پاسخگویی به پرسش‌های زیر، سهل‌تر خواهد بود:

- در برنامه‌های درسی آموزش دینی ایران چه هدف‌هایی مورد نظر بوده است؟
- محتوای برنامه‌های درسی آموزش دینی ایران در بردارنده کدام نوع تجارب یادگیری بوده است؟
- محتوای برنامه‌های درسی آموزش دینی ایران چگونه سازمان‌دهی شده است؟
- از چه ابزاری برای ارایه محتوای برنامه‌های درسی آموزش دینی ایران استفاده شده است؟
- از چه شیوه‌ای برای ارایه محتوای برنامه‌های درسی آموزش دینی ایران استفاده شده است؟
- زمان مورد استفاده برای ارایه محتوای برنامه‌های درسی آموزش دینی ایران چگونه بوده است؟
- ارزشیابی برنامه‌های درسی آموزش دینی ایران چگونه انجام شده است؟



گرچه ممکن است واقعیت‌های جریان عمل آموزش و پرورش با آنچه در این اسناد ارایه شده است، تفاوت‌هایی را نشان دهد؛ اما این اسناد و مدارک کتبی منتشر شده از سوی نهادهای رسمی آموزش و پرورش، منابع دست اول و معتبر قلمداد می‌شوند. در عین حال، در مواردی که به نتایج پژوهش‌های انجام شده درباره موضوع استناد شده، اعتبار آن‌ها با شیوه نقد درونی مورد بررسی قرار گرفته است. بخشی از داده‌های مورد استفاده برای ارایه وضعیت یکی از مؤلفه‌های مورد بحث در عنصر زمان، به دلیل محدودیت دستیابی به داده‌های مورد نیاز، به شیوه میدانی به دست آمده‌اند. برای مشخص ساختن جایگاه درس در برنامه‌های درسی آموزش دینی، به برنامه‌های هفتگی مدارس ابتدایی شهر کرمان رجوع شد. از میان دبستان‌های ابتدایی فعال در سال تحصیلی ۸۱-۱۳۸۰، حدود ده درصد به صورت تصادفی، انتخاب شدند و برنامه هفتگی یکی از کلاس‌های تمامی پایه‌های تحصیلی هر یک از مدارس انتخاب شد و با مراجعه مستقیم، داده‌های لازم جمع‌آوری گردید. همچنین با مدیر مدرسه درباره نحوه تنظیم برنامه هفتگی مصاحبه شد. بر این اساس برنامه هفتگی بیست و چهار دبستان (یعنی ۱۲۰ کلاس درس) به دست آمد که در قالب جداول فراوانی و درصد و نمودارها در این مقاله ارایه شده‌اند.

### یافته‌های پژوهش

یافته‌های پژوهش در این مقاله براساس آن دسته از عناصر برنامه درسی که مورد بررسی قرار گرفته‌اند، ارایه می‌شوند. بنابراین در این قسمت تحت هفت عنوان فرعی، توصیف و تحلیل داده‌ها تنظیم و ارایه می‌گردد.

۱. **هدف‌ها در برنامه‌های درسی آموزش دینی:** در همه برنامه‌هایی که از سال ۱۲۸۸ هـ.ش برای آموزش ابتدایی ایران طراحی و تصویب شده، هدف‌های دینی مطرح بوده است. در برنامه سال ۱۳۱۶ هـ.ش، هدف آن بوده است که «اطفال به اخلاق و صفات پسندیده آراسته شوند» [۵]. در برنامه سال‌های ۱۳۱۹ و ۱۳۲۸ «پرورش کودک به نحوی که دارای اخلاق پسندیده و عادت‌های

فعالیت‌هایی گفته می‌شود که تحقق هدف‌ها را ممکن می‌سازند [۹]. تحقق هدف‌های آموزشی از طریق فراهم کردن مجموعه‌ای از فرصت‌های یادگیری (انتخاب محتوا) که به نحوی اثر بخش با یکدیگر در آمیخته شوند و نظم یابند (سازمان‌دهی محتوا) و به طریقی در اختیار یادگیرنده قرار گیرند (ارایه محتوا) حاصل می‌شود. برای در اختیار نهادن، یا ارایه محتوا، لازم است طریقی را برگزید (شیوه ارایه)، زمانی را در نظر گرفت (زمان ارایه)، و موقعیتی را تدارک دید (فضای ارایه) [۱۶]. ارزشیابی نیز با تعیین قدر ارزش موضوعات و پدیده‌ها سر و کار دارد [۴۳]. در این‌جا منظور از ارزشیابی تعیین طریقی است که میزان تغییرات رفتار یادگیرنده را اندازه‌گیری نماید و نوعی قضاوت را فراهم آورد. بر این اساس برنامه درسی متشکل از هشت عنصر هدف، محتوی، سازمان‌دهی محتوی، شیوه ارایه محتوی، ابزار ارایه محتوی، زمان ارایه محتوی، فضای ارایه محتوی، و ارزشیابی قلمداد می‌شود.

گرچه برای تهیه مقاله تلاش شد تا داده‌های لازم برای بررسی همه عناصر فراهم شود، اما داده‌های مربوط به برخی از عناصر به دست نیامد. به همین علت بررسی عنصر فضا، به زمان دیگری محول شد و سایر عناصر در برنامه‌های درسی آموزش دینی طی دوره پدیدآیی و تحول آموزش‌های نظام‌مند و رسمی ایران، که از سال ۱۲۸۸ آغاز شده، مورد بررسی قرار می‌گیرد. منظور از برنامه‌های درسی آموزش دینی در این‌جا برنامه‌هایی است که طی دوره مورد نظر با عناوین شریعات، قرآن (آیات منتخبه)، اخلاق، تعلیمات دینی، دین و اخلاق، فرهنگ اسلامی و تعلیمات دینی طراحی و در دوره‌های مختلف در آموزش ابتدایی ایران به اجرا گذاشته شده‌اند. دوره مورد بررسی دارای مراحل است که هر مرحله با تصویب یک برنامه آغاز و با تصویب برنامه بعدی خاتمه می‌یابد و تصویب برنامه درسی دوره ابتدایی ایران در سال‌های ۱۲۸۸، ۱۳۰۶، ۱۳۱۶، ۱۳۱۹، ۱۳۲۸، ۱۳۴۲، ۱۳۴۵، ۱۳۵۸، ۱۳۶۷، ۱۳۷۳ هجری شمسی انجام شده است. داده‌های مورد نیاز این مقاله، با رعایت اصول و معیارهای تحقیق تاریخی، از اسنادی به دست آمده است که به شکل رسمی از سوی مقامات مسئول منتشر شده‌اند.



هدف از تدریس شرعیات «اطلاع طفل از اصول و فروع مذهب به اندازه‌ای که از دایره فهم وی بیرون و با مصلحت کنونی او مخالف نباشد» [۵]، ذکر گردیده است که از طرفی وضع هر یک از پایه‌ها را مشخص نکرده و از طرف دیگر چندان روشن و صریح نیست.

در هدف‌های «برنامه تربیت و تعلیم دینی» سال ۱۳۴۵ که از حیث نحوه بیان (به خصوص مبنا قرار دادن رفتار یادگیرنده) به مراتب بهتر از سایر برنامه‌ها تهیه شده‌اند، نیز اصول انتخاب هدف [۱۶]، رعایت نشده است. این هدف‌ها نیز کلی هستند و مقاصد آموزش دینی هر یک از پایه‌ها را آشکار نمی‌سازند. در هدف‌های سال ۱۳۶۷ دو مطلب قابل توجه دیده می‌شود که در سال‌های قبل وجود ندارد: نخست توجه به جنسیت و تأکید بر آموزش‌های منطبق با جنس، و دوم توجه به قابل سنجش بودن آموزش‌های اخلاقی. بنابراین نمی‌توان گفت جریان خاصی بر تدوین هدف‌های برنامه‌های درسی آموزش دینی دوره ابتدایی ایران حاکم بوده است. به نظر می‌رسد هر بار که به تنظیم برنامه اقدام شده، تعیین و تدوین هدف فعالیت تازه‌ای محسوب شده که هیچ تجربه‌ای درباره آن وجود ندارد.

**۲. محتوای برنامه‌های درسی آموزش دینی: محتوا**  
به‌عنوان مجموعه‌ای از تجارب یادگیری که تحقق هدف‌ها را امکان‌پذیر می‌سازد، به تبع هدف‌های برنامه درسی فراهم می‌شود و به دلیل وجود هدف‌های دینی و اخلاقی در برنامه‌های درسی دوره ابتدایی، همواره محتوای دینی و اخلاقی برای این دوره تدارک شده است. اما محتوای دینی برنامه‌های درسی دوره ابتدایی از حیث نوع، حجم و اهمیت؛ فراز و نشیب‌هایی داشته و نام خاصی را به خود گرفته است. حتی در برنامه سال ۱۳۱۹ ش، که کم‌ترین زمان به آموزش‌های دینی اختصاص یافته، آموزش‌های اخلاقی مطرح بوده است و موضوعات ذیل در آن دنبال شده است [۱۷].

**سال اول:** ایجاد عادت‌های پسندیده مانند پاکیزگی، نظم، وقت‌شناسی، ادب، اطاعت.

**سال دوم:** تفهیم نکات اخلاقی مانند وظیفه طفل نسبت به پدر و مادر و اعضاء خانواده، وظیفه طفل نسبت به

نیک باشد» هدف قلمداد شده است [۱۷ و ۱۸]. در برنامه سال ۱۳۴۲ «توسعه و رشد ایمان و نیروهای معنوی» هدف بوده است [۱۹]. هدف‌های دینی و اخلاقی برنامه سال ۱۳۴۵ به شرح ذیل معرفی شده‌اند [۲۰]:

۱- آفریدگار جهان و جلال و عظمت و حکمت و رأفت و رحمت او را بشناسند و همواره در راه رضای او بکوشند.

۲- قدر نعمت‌های گوناگون او را بدانند و عملاً سپاسگزار نعمت‌های او باشند.

۳- از صمیم قلب مطیع و فرمانبردار او باشند و به تعالیمی که به‌منظور سعادت آن‌ها فرستاده عمل کنند.

۴- در زندگی واقع بین و در برابر حق خاضع باشند.

در برنامه سال ۱۳۵۰ اگرچه از «درک ارزش‌ها» به‌عنوان یکی از توانایی‌های لازم جهت «آماده ساختن کودکان برای تطبیق خود با شرایط زندگی» یاد شده است، اما هدف‌های اخلاقی و دینی به «دادن اطلاعات و معلومات لازم در زمینه‌های مربوط به تربیت دینی و معنوی» محدود است [۲۱]. در برنامه سال ۱۳۶۷ هدف‌های مربوط به تربیت دینی و اخلاقی گسترده‌تری پیش‌تری یافته و به شرح ذیل بیان شده‌اند [۲۲]:

- تقویت مبانی اعتقادی دانش‌آموزان به اصول دین بر مبنای فطرت و با تکیه بر مشاهده، تفکر و تعقل.

- یادگیری قرآن مجید در حد صحیح خوانی تمام قرآن و فهم معانی اجمالی سوره و آیات ساده خصوصاً در رابطه با مبانی اعتقادی و اخلاقی

- آموزش کامل واجبات و محرمات و عبادات، به‌ویژه نماز و ایجاد عادت‌های مطلوب عبادی در دانش‌آموز متناسب با جنس آن‌ها.

- تقویت فضایل اخلاقی در خلال برنامه‌های آموزشی - تربیتی هدفدار و قابل ارزشیابی.

هدف‌های مورد بحث هر یک از برنامه‌ها هدف‌های کلی دوره ابتدایی هستند و قاعدتاً باید بر مبنای آن‌ها هدف‌های جزئی و مشخص هر درس تهیه و بیان شود؛ که اقدام به طراحی و تدوین هدف‌های مشخص در معدودی از برنامه‌ها دیده می‌شود، ولی این عمل چندان مبتنی بر اصول و دقیق نبوده است. برای مثال در برنامه سال ۱۳۱۶



دانشمندان و نیکان، عزت نفس، مدافعه از حقوق، پاس شرف و آبرو و احترام به دیگران، دوری از چاپلوسی و دوبه‌مزن‌ی.

در برنامه‌هایی که توجه بیش‌تری به امور دینی شده، برای مثال برنامه سال ۱۳۱۶، مواردی مثل «تعلیم وضو و نماز، اصول دین و مذهب، ترتیب وضو و نماز و ترتیب به‌جا آوردن آن، ذکر بعضی از معاصی کبیره، توضیح برخی از جنبه‌های فروع دین از قبیل نمازهای یومیه و اشیائی که به آن‌ها خمس و ذکات تعلق می‌گیرد، شرایط وجوب حج، جهاد و دفاع از وطن، امر به معروف و نهی از منکر، آداب تجارت و پیشه، عبادات و حکمت آن‌ها، بیع و شروط و اقسام آن» [۵] در دروس شرعی مطرح بوده است.

انتخاب محتوا در ابتدا در اختیار معلم بوده و هر یک از معلمان، به تناسب توانایی، شناخت و سلیقه خود، محتوایی را برای آموزش بر می‌گزیدند. این روش که در مکتب‌خانه‌ها رواج داشت، در مدارس جدید نیز تا سال ۱۳۰۶ ادامه یافت. در برنامه سال ۱۳۰۶ ش سرفصل مطالب هر یک از دروس توسط برنامه‌ریزان مرکزی تعیین گردید و به معلمان اختیار داده شد تا متناسب با آن سرفصل‌ها، محتوایی را انتخاب نمایند. در این دوره که عملاً تا سال ۱۳۴۵ ادامه داشت، استفاده از محتوای انتخاب شده، مشروط به تأیید وزارت فرهنگ بود. هر یک از معلمان مجاز بودند از میان محتواهای مورد تأیید وزارت فرهنگ یکی را برای تدریس خود برگزینند. از سال ۱۳۴۵ این اختیار نیز از معلمان گرفته شد و برای هر یک از دروس، محتوای خاصی را برنامه‌ریزان مرکزی تهیه و ابلاغ کردند. این دوره، که هنوز نیز ادامه دارد، سزاوار نام یک درس - یک کتاب است. بنابراین انتخاب محتوای برنامه درسی آموزش دینی از حیث میزان دخالت معلم که مورد توجه برخی از صاحب‌نظران بوده و مزایایی را برای دخالت معلم برشمرده‌اند [۲۳ و ۲۴] به سه دوره قابل تفکیک است [۶]:

- دوره انتخاب آزاد (انتخاب محتوا با معلم است و برنامه‌ریزان مرکزی نقشی ندارند): از آغاز تا ۱۳۰۶ ش،
- دوره انتخاب مقید (انتخاب محتوا کار مشترک معلم و برنامه‌ریزان مرکزی است): از ۱۳۰۶ تا ۱۳۴۵ ش،

اولیاء دبستان، محسنات راستگویی و زیان‌های دروغگویی، مضار بی‌ادبی، معایب تنبلی و بیکاری، تعلیم آداب غذا خوردن، زیان تندی و درشتی، آسیب نرساندن به حیوانات بی‌آزار....

**سال سوم:** قرائت قطعات نظم و نثر در خور فهم اطفال مشتمل بر وظایف طفل در خانواده، وظایف طفل نسبت به والدین و سایر خویشاوندان، اطاعت، احترام، محبت، نمک‌شناسی، کمک به پدر و مادر در مواقع کار، ناخوشی و پسیری، وظایف خواهر و برادر نسبت به یکدیگر، نگاهداری و حمایت کوچک‌تران، ادب و نیکی نسبت به خدمتگزاران، وظایف طفل در دبستان نسبت به آموزگار و رفقا، پشتکار، سعی، اطاعت به نظامات، دوستی میهن، وظایف نسبت به میهن.

**سال چهارم:** قرائت قطعات نظم و نثر بسیار ساده راجع به نظافت، اسراف، زیان مسکرات و دخانیات مخصوصاً تریاک، صرفه‌جویی، احتراز از قرض و قمار، خست و ولخرجی، شرافت کارهای دستی، لزوم کار کردن و تلف نکردن وقت، فوائد اخلاقی بازی و ورزش، راستی و درستی، فروتنی و کبر، جهل و تبلی، دلیری در مواقع خطر و بدبختی، حوصله و صبر، خطرات خشم و تندی، عدل و ظلم، رعایت جان و مال و شهرت دیگران، اغماض، احترام به عقاید دیگران.

**سال پنجم:** وظایف انسان نسبت به خدا، وظایف نسبت به شاه و میهن، تکالیف نسبت به خود، دستور رفتار کودکان در خانه و نسبت به پدر و مادر، دستور رفتار کودکان نسبت به خدمه و زیردستان، پرهیزکاری، سرپوشی، شرافت، عدالت، نجابت، سخاوت، امانت، زیان خشم، تکالیف پدر و مادر نسبت به آموزگاران، وظایف همشاگردی، تحصیل دانش و لزوم مداومت آن، آداب معاشرت.

**سال ششم:** مواد سال پیش (سال پنجم) به اضافه معنا تکالیف و تعلق آن به شخص عاقل، تکالیف اجتماعی، فداکاری در راه شرف و میهن و اطاعت از قوانین، رعایت آزادی دیگران، انصاف، وفای به عهد، اهمیت و قول و امضاء، ثبات رای، زیان دودلی و تردید، عیوب تکاهل و اهمال، قدر و قیمت زمان، دوری از بدان، معاشرت با



— دوره انتخاب محدود (انتخاب محتوا توسط برنامه‌ریزان مرکزی انجام می‌شود و معلم نقشی ندارد): از سال ۱۳۴۵ تاکنون.

### ۳. سازمان‌دهی محتوا

سازمان‌دهی محتوای انتخاب شده برای آموزش‌های دینی، معمولاً مجزا از سایر برنامه‌های درسی صورت گرفته است. برای این نوع آموزش‌ها معمولاً کتاب درسی خاصی وجود داشته است و حداقل بخش مستقلی از یک کتاب به آموزش دینی اختصاص یافته است. کتاب درسی آموزش دینی در بیش‌تر برنامه‌ها از پایه دوم به بعد مطرح بوده است. تنها در برنامه سال ۱۳۱۹ سازمان‌دهی مستقل مطالب دینی تا پایه پنجم به تأخیر افتاده است. در هر یک از دوره‌های انتخاب محتوا (آزاد، مقید و محدود) سازمان‌دهی محتوا شکل خاصی داشته است. در دوره انتخاب آزاد، که معلم مسئولیت برنامه‌ریزی، اجراء و ارزشیابی برنامه درسی را بر عهده داشته، سازمان‌دهی بر مبنای تشخیص او از وضع شاگردان و با توجه به دانش خود صورت می‌گرفته است. بنابراین تنوع ناشی از تفاوت معلمان در سازمان‌دهی دیده می‌شود. در عین حال، در این دوره از کتاب‌های اخلاقی گذشتگان مثل گلستان سعدی و اخلاق ناصری، بیش‌تر استفاده شده است.

در دوره انتخاب مقید، به دلیل این‌که سرفصل دروس در مرکز تهیه می‌شد، امکان بیش‌تری برای رعایت اصول سازمان‌دهی وجود داشت. چون مؤلفان ناچار به رعایت سرفصل تعیین شده بودند، سازمان‌دهی محتوا تا حدی منطبق با اصول مداومت و تقدّم و تأخر (توالی منطقی) بوده است. البته مؤلفان در سازمان‌دهی جزئیات مختار بوده‌اند و در این حوزه، بیش‌تر براساس توانایی و تجربه خود عمل نموده‌اند. برای مثال می‌توان به سرفصل درس شریعات برنامه سال ۱۳۱۶ توجه کرد که تنظیم مطالب سال اول تا ششم به گونه‌ای است که از تکرار ساده خودداری می‌شود و در عین حال گسترش بحث مورد نظر است. البته این موضوع به معنای رعایت تمام اصول نمی‌باشد. مثلاً در برنامه‌های ۱۳۱۹ و ۱۳۲۸ یک کتاب برای کلاس‌های دوم، سوم و چهارم ابتدایی تألیف شده است [۲۵ و ۲۶].

در دوره انتخاب محدود توجه بیش‌تری به اصول سازمان‌دهی شده است. در این دوره، برنامه‌ریزی درسی و تألیف کتاب به صورت متمرکز، شرایط را برای توجه بیش‌تر به اصول سازمان‌دهی فراهم آورده بود. گروه تألیف مسئول تمامی کتاب‌های دوره ابتدایی بود و همین امر باعث شده تا ارتباط عمودی محتوا بیش‌تر رعایت گردد، اما در این دوره نیز به دلیل تخصصی شدن گروه‌های برنامه‌ریزی و تألیف کتاب‌های درسی، ارتباط افقی بین مطالب هر یک از پایه‌ها، چندان رعایت نشده است. شاهد این مدعا کتاب‌های تربیت و تعلیم دینی سال ۱۳۴۵ [۲۷] می‌باشند که اولاً برای هر پایه یک کتاب تهیه شده و ثانیاً مطالب کتاب‌های بعدی بر پایه کتاب قبلی (کتاب قبلی به عنوان زمینه‌ساز کتاب پایه بعدی)، پدید آمده است؛ اما بین این کتاب‌ها و سایر کتاب‌هایی که برای دوره ابتدایی تنظیم شده‌اند، هماهنگی لازم وجود نداشته است.

### ۴. ابزار ارایه محتوا

معلم و کتاب دو وسیله اصلی ارایه محتوا در نظام مدرسه‌ای ایران هستند. این دو می‌توانند با همدیگر و یا مجزا از یکدیگر مورد استفاده قرار گیرند. در گذشته، معلم نقش بیش‌تری داشته است و اکنون کتاب و معلم در کنار هم هستند. آموزش‌های دینی نیز از این قاعده کلی دور نبوده‌اند. طی صد سال گذشته محور بیش‌تر برنامه‌ها، آن‌گونه بوده است که در چند سال اول، معلم نقش اصلی را داشته است و در پایه‌های بعدی معلم و کتاب درسی در کنار هم انجام وظیفه می‌کرده‌اند. گرچه در بیش‌تر برنامه‌های آموزش ابتدایی، تهیه کتاب درسی برای آموزش‌های دینی در پایه اول مطرود بوده است و برای مثال آموزش قرآن در برنامه سال ۱۳۱۶ از کلاس سوم آغاز شده و در درس شریعات پایه اول، آموزش عملی مورد تأکید قرار گرفته است [۵] اما اکنون این گرایش قوت گرفته است که برای پایه اول نیز کتاب تعلیمات دینی تهیه گردد و فعالیت‌های آموزشی قرآن پایه اول در سال تحصیلی ۸۱-۱۳۸۰ در قالب کتابی به همین عنوان دنبال شده است [۲۸].



## ۵. روش ارایه محتوا

برای ارایه محتوا، ایجاد ارتباط لازم است و برای برقراری ارتباط باید از نمادهای ارتباطی استفاده کرد. دو شکل معمول نمادهای ارتباطی، نمادهای شفاهی و کتبی هستند. استفاده از نمادهای شفاهی (گفتاری) نوعی از ارایه محتوا را به دنبال دارد که تدریس خواننده می‌شود. استفاده از نمادهای کتبی (نوشتاری) نوعی از ارایه محتوا را به دنبال دارد که تدوین نامیده می‌شود. در هر یک از این دو شکل ارایه محتوا، دو نوع اثر ممکن است حاصل شود: اول، ممکن است نوع ارایه محتوا سبب شود فرد مخاطب به دریافت، پردازش و حفظ اطلاعات بسنده کند و دوم، ممکن است نوع ارایه سبب شود تا فرد ناچار گردد اطلاعات تازه را با معلومات قبلی خود بیامیزد، آن‌ها را مقایسه کند، تفاوت‌ها و تشابهات را دریابد و به تولید اطلاعات ویژه خود پردازد. شکل اول را ارایه غیرفعال و شکل دوم را ارایه فعال می‌خوانند. بنابراین چهار شیوه ارایه محتوا وجود دارد [۲۹]: شیوه ارایه شفاهی فعال، شیوه ارایه شفاهی غیرفعال، شیوه ارایه کتبی فعال و شیوه ارایه کتبی غیرفعال.

در سندهای رسمی و توصیه‌نامه‌های مربوط به آموزش‌های دینی و اخلاقی، همیشه استفاده از روش‌های فعال توصیه شده است [۲۰ و ۲۷]، اما در عمل این مقصود چندان حاصل نشده است. بررسی‌های انجام شده نشان می‌دهند که در ارایه کتبی محتوا، روش ارایه غیرفعال محور بوده است [۳۰، ۳۱ و ۳۲] و تقریباً تمامی کتاب‌هایی که تا سال ۱۳۵۹ از جانب افراد مختلف تألیف شده‌اند این ویژگی را داشته‌اند [۲۹]. برای ارایه محتوای کتاب‌های تعلیمات دینی سال ۱۳۵۹ تا حدی از روش فعال استفاده شده است، اما در مجموع ضریب فعالیت در کتاب‌های فرهنگ اسلامی و تعلیمات دینی مطلوب نبوده است [۲۹]. در ارایه شفاهی نیز وضع مناسب‌تر نبوده است. عموم معلمان مدارس ابتدایی روش توضیح شفاهی یا سخنرانی را در تربیت دینی و اخلاقی مورد استفاده قرار داده‌اند [۳۳] و جمع قابل توجهی از معلمان (حدود ۴۰ درصد) بر این اعتقادند که این روش برای آموزش دینی اثربخشی زیادی دارد [۳۴]. بررسی سیر روش‌های ارایه، حاکی از آن

است که روش ارایه کتبی طی صد سال گذشته توانسته است سهم بیش‌تری را به خود اختصاص دهد. همچنین طی این مدت روش‌های فعال ارایه، کم و بیش مورد توجه قرار گرفته است و بارقه‌هایی از به‌کارگیری آن‌ها در ارایه شفاهی [۳۴] و ارایه کتبی [۲۹]، محتوای برنامه درسی تعلیمات دینی به چشم می‌خورد.

## ۶. زمان ارایه محتوا

زمان ارایه محتوا را باید از سه بعد مورد بررسی قرار داد [۳۵]: زمان شروع (هنگام ارایه محتوا)، زمان آموزش (مدت ارایه محتوا) و جایگاه درس (زمان ارایه درس در برنامه روزانه و هفتگی یا زمان ارایه درس در نظم دوره‌ای آموزش):

**الف) زمان شروع:** زمان شروع آموزش‌های دینی و اخلاقی در برنامه‌های مختلف متفاوت بوده است. در برنامه سال ۱۳۰۶ ش، آموزش‌های دینی با ورود دانش‌آموز به تحصیلات ابتدایی ارایه شده‌اند. در این برنامه، درس شریعت از پایه اول، درس قرآن از پایه دوم و درس اخلاق از پایه پنجم به دانش‌آموزان عرضه می‌شده است (وزارت معارف، اوقاف و صنایع مستظرفه، ۱۳۰۶). در برنامه سال ۱۳۱۶ فقط درس قرآن (آیات منتخبه) به‌صورت جداگانه بوده است که از پایه سوم، تدریس آن آغاز می‌شده است [۵]. در برنامه سال ۱۳۱۹ آموزش‌های اخلاقی همراه با درس ادبیات فارسی بوده که از پایه اول به دانش‌آموز ارایه می‌شده و درس اخلاق به‌صورت جداگانه از پایه پنجم به بعد، تدریس می‌شده است [۱۷]. در برنامه سال‌های ۱۳۲۸، ۱۳۴۲، ۱۳۴۵، درس تعلیمات دینی از پایه اول به دانش‌آموزان عرضه می‌شده است [۲۱ و ۳۰]. در برنامه سال‌های ۱۳۵۸ و ۱۳۷۳، درس تعلیمات دینی از پایه دوم و درس قرآن از پایه سوم، به دانش‌آموزان ارایه می‌شده است [۳۷ و ۳۸]. مبنای فعالیت‌های آموزشی مدارس ابتدایی در سال تحصیلی ۸۱-۱۳۸۰ همان جدول مواد درسی و تعداد جلسات هفتگی دوره پنج‌ساله ابتدایی مصوب ۱۳۷۳ قلمداد شده است، اما در عمل برای دانش‌آموزان کلاس اول ابتدایی نیز کتاب آموزش قرآن مورد استفاده قرار می‌گیرد [۲۸]. در شکل ۱، توصیفی از

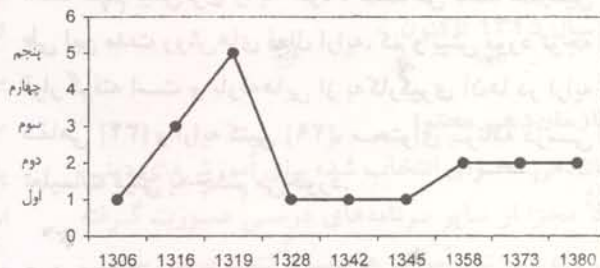


برنامه سال ۱۳۱۹ کم‌تر از سایر برنامه‌های مقطع ابتدایی بوده است (جدول ۱).

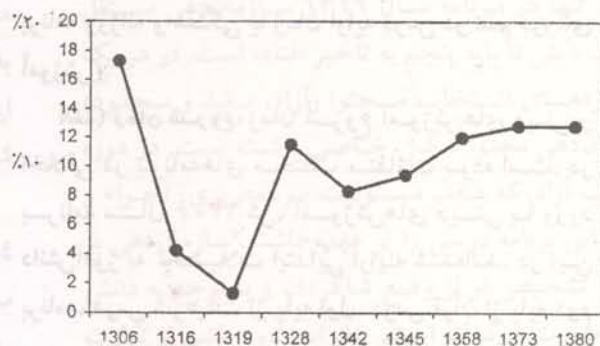
به‌طور متوسط در هفت برنامه آموزش ابتدایی (سال‌های ۱۳۰۶، ۱۳۱۶، ۱۳۱۹، ۱۳۲۸، ۱۳۴۲، ۱۳۴۵، ۱۳۵۸) به ترتیب ۱۷/۳، ۴/۲، ۱/۳، ۱۱/۵، ۸/۳ و ۹/۴ و ۱۲ درصد کل زمان آموزش مقطع ابتدایی به برنامه‌های درسی آموزش دینی، به‌عنوان ماده مستقل اختصاص داشته است. در برنامه‌ای که در سال ۱۳۷۳ به تصویب رسیده است، زمان متوسط برای برنامه‌های درسی آموزش دینی مقطع ابتدایی ۱۲/۸ درصد کل زمان آموزش ابتدایی بوده است و هم‌اکنون (سال تحصیلی ۸۱-۱۳۸۰) نیز همان مصوبه مبنای عمل است، هر چند که دو ساعت از زمان آموزش پایه اول ابتدایی به درس قرآن اختصاص یافته و برای این درس، کتاب مستقل تهیه شده است [۲۸].

جدول ۱ نشان می‌دهد که به‌طور متوسط در هر یک از پایه‌های اول تا ششم به ترتیب ۵، ۹/۹، ۱۱/۴، ۱۱/۴، ۱۱، ۷/۸ درصد کل زمان آموزش برنامه‌های مختلف از سال ۱۳۰۶ تا سال ۱۳۷۳ به برنامه‌های درسی آموزش دینی به‌عنوان ماده مستقل اختصاص داشته است که اگر به موضوع حذف پایه ششم در برنامه‌های کنونی آموزش ابتدایی توجه شود، روند اختصاص زمان طی پایه‌های تحصیلی رو به افزایش است (شکل ۳).

**ج) جایگاه درس:** تعیین جایگاه درس در دوره ابتدایی از گذشته تا اکنون بر عهده مدارس بوده است [۱۷]. بررسی انجام شده درباره این موضوع، که به دلیل فقدان اطلاعات درباره گذشته، به وضع کنونی محدود شده است، نشان



شکل ۱ زمان شروع آموزش‌های دینی به‌عنوان ماده درس مستقل در دوره ابتدایی



شکل ۲ زمان اختصاص یافته به برنامه درسی آموزش دینی در هر یک از برنامه‌های دوره ابتدایی (به درصد)

زمان شروع آموزش‌های دینی در هر یک از برنامه‌های دوره ابتدایی ارایه شده است که براساس برنامه درسی مستقل برای درس دینی است.

**ب) زمان آموزش:** زمان اختصاص یافته به آموزش دینی در برنامه سال ۱۳۰۶ بیش از سایر برنامه‌ها و در

جدول ۱ زمان اختصاص یافته به آموزش‌های دینی (به درصد از کل زمان آموزش)

پایه تحصیلی	۱۳۰۶	۱۳۱۶	۱۳۱۹	۱۳۲۸	۱۳۴۲	۱۳۴۵	۱۳۵۸	۱۳۷۳	۱۳۸۰	متوسط
اول	۴	-	-	۱۷	۱۱	۷	-	-	*	۵
دوم	۲۳	-	-	۱۲	۱۱	۷	۱۳	۱۳	۱۳	۹/۹
سوم	۲۷	۷	-	۱۱	۷	۱۱	۱۱	۱۷	۱۷	۱۱/۴
چهارم	۲۰	۷	-	۱۱	۷	۱۱	۱۸	۱۷	۱۷	۱۱/۴
پنجم	۱۷	۷	۴	۷	۷	۱۱	۱۸	۱۷	۱۷	۱۱
ششم	۱۳	۴	۴	۱۱	۷	-	-	-	-	۷/۸
متوسط	۱۷/۳	۴/۲	۱/۳	۱۱/۵	۸/۳	۹/۴	۱۲	۱۲/۸	۱۲/۸	۹/۴

\* در عمل ۲ ساعت به آموزش قرآن اختصاص داده شده است.

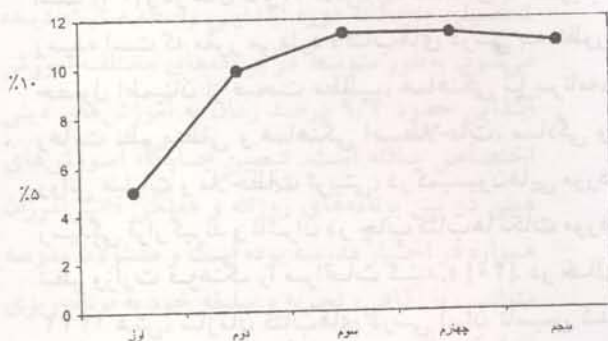


جدول ۲ چگونگی استفاده از زمان روزانه و هفتگی برای ارائه برنامه درسی آموزش دینی (به درصد)

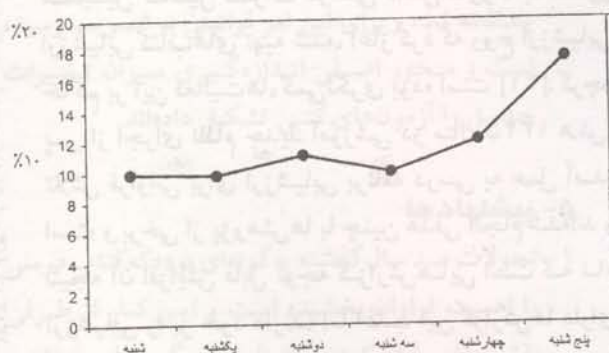
روز	زمان اول	زمان دوم	زمان سوم	زمان چهارم*	متوسط
شنبه	۸/۳	۱۳/۳	۱۰/۴	۷/۵	۹/۹
یکشنبه	۷/۵	۱۲/۵	۱۰	۹/۲	۹/۸
دوشنبه	۱۳/۴	۱۰/۸	۱۰/۸	۹/۲	۱۱/۱
سه‌شنبه	۱۲/۵	۱۰/۸	۷/۵	۹	۱۰
چهارشنبه	۱۵	۱۳/۳	۹/۲	۱۰/۸	۱۲/۱
پنج‌شنبه	۱۶/۸	۲۱	۱۶/۸	۱۵/۳	۱۷/۵
متوسط	۱۲/۲۵	۱۳/۶	۱۰/۸	۱۰/۲	

\* در مواردی، مدارس دارای پنج زمان هستند. اما در برنامه مصوب چهار زمان در نظر گرفته شده است.

هش) به این موضوع که: «مفتشین دولتی در کل مدارس و مکاتب رسمی و غیررسمی حق ورود و تفتیش دارند.» اشاره شده که در مجموع مؤید ارزشیابی مدرسه است. تلاش رسمی برای تطبیق محتوای کتاب‌ها با سرفصل‌های



شکل ۳ زمان اختصاص یافته به برنامه درسی آموزش دینی در هر یک از پایه‌های دوره ابتدایی (به درصد)



شکل ۴ جایگاه برنامه درسی آموزش دینی به‌عنوان ماده مستقل در برنامه هفتگی دبستان (به درصد)

می‌دهد مدارس براساس سنت حاکم عمل می‌کنند و در این سنت، مدارس (مدیر به تنهایی و گاهی با کمک معلمان) براساس تشخیص خود، هر یک از دروس را در زمان‌های خاص روزانه و هفتگی ارائه می‌کنند. گرچه قاعده خاصی بر کار آن‌ها حکمفرما نیست، اما کم و بیش این اعتقاد وجود دارد که در روزهای اول هفته و ساعات اولیه روز باید دروس مشکل را عرضه کرد. بررسی برنامه هفتگی دبستان‌های دوره ابتدایی نشان می‌دهد که دروس دینی تقریباً در همه زمان‌های هفته توزیع شده‌اند (جدول ۲). داده‌های جدول ۲ نشان می‌دهند که آموزش‌های دینی بیش‌تر در روزهای آخر هفته ارائه شده‌اند و از شنبه به چهارشنبه ارائه آموزش‌های دینی روند افزایشی داشته است (شکل ۴).

در عین حال توجه به این موضوع نیز لازم است که جایگاه برنامه درسی آموزش دینی در زمان‌های چهارگانه، هر روز هفته، تقریباً دارای توزیع مساوی بوده است. به‌طور متوسط ۱۲/۲۵ درصد زمان اول، ۱۳/۶ درصد زمان دوم، ۱۰/۸ درصد زمان سوم و ۱۰/۲ درصد زمان چهارم روزهای هفته به دروس دینی اختصاص داشته است، حال آن‌که در سایر برنامه‌های درسی وضعیت متفاوتی وجود دارد. برای مثال ۶۴ درصد زمان اول، ۱۰/۴ درصد زمان دوم، ۴/۳ درصد زمان سوم و ۰/۸ درصد زمان چهارم روزهای هفته، به برنامه درسی ریاضیات اختصاص داشته است (شکل ۵).

#### ۷. ارزشیابی برنامه درسی آموزش دینی

در ماده دوازدهم قانون اساسی معارف (مصوب ۱۲۹۰

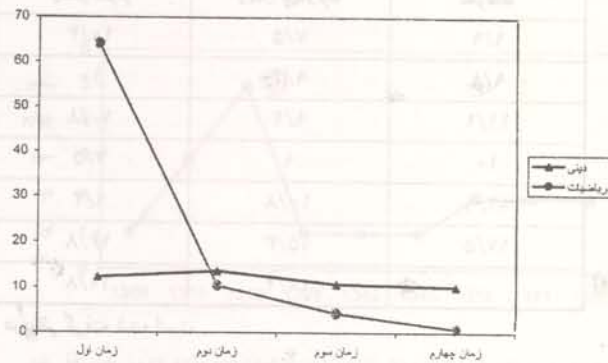


ارایه شده، مبتنی بر الگوی نظری در حوزه ارزشیابی، نبوده است. قابل بیان است که در هیچ یک از برنامه‌های مورد بررسی، بحث ارزشیابی به عنوان یکی از عناصر برنامه درسی مطرح نشده است، اما چگونگی سنجش پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان (امتحانات) مورد عنایت بوده است. گرچه برای امتحانات گاه هدف‌های آرمانی طرح شده است [۳۷ و ۴۲]، اما در عمل امتحانات وسیله طی مدارج تحصیلی و صدور مدارک تحصیلی بوده‌اند. تغییر نحوه عمل برگزاری امتحانات در تصویب‌نامه‌ها به وضوح دیده می‌شود. ابتدا امتحانات دوبار در سال برگزار می‌شدند [۴۶ و ۴۷]، سپس به چهار بار در سال گسترش یافتند [۳۸ و ۴۲].

درس تعلیمات دینی (همین‌طور شرعیات، قرآن و اخلاق) از این قاعده کلی مستثنی نبوده است. آنچه در این جا قابل ذکر است نحوه امتحان گرفتن است. هم اکنون برای محاسبه نمره دانش‌آموزان در درس تعلیمات دینی، آزمون پایه‌های دوم و سوم شفاهی، چهارم کتبی - شفاهی و پنجم کتبی است [۳۸]. آزمون شفاهی را معلم درس برگزار می‌کند و نمره لازم را منظور می‌دارد. آزمون کتبی پایه پنجم تا سال ۱۳۷۳ به صورت استانی و از سال ۱۳۷۴ به صورت منطقه‌ای برگزار می‌گردد. در پایه چهارم که آزمون شفاهی - کتبی است، ۱۰ نمره برای امتحان شفاهی و ۱۰ نمره برای امتحان کتبی در نظر گرفته شده است [۳۸]. از ابتدای سال تحصیلی ۸۱-۸۰ وضعیت امتحانات تغییر کرده است و در قالب امتحانات دو نوبته، نیمی از نمره درسی دینی پایه چهارم و پنجم به ارزشیابی مستمر اختصاص یافته است. بنابراین ارزشیابی مستمر در پایه چهارم جانشین قسمت شفاهی شده است و در پایه پنجم بخشی از نمره را به خود اختصاص داده است.

#### ۴. نتیجه‌گیری

۱- بیان هدف‌های کلی آموزش ابتدایی برای اولین بار از سال ۱۳۱۶ ش، شروع شده است. در برنامه سال ۱۳۱۶ هدف‌هایی برای دروس تعلیمات دینی (یعنی دروس شرعیات، آیات منتخبه و اخلاق) مطرح شده است که چندان دقیق و مبتنی بر اصول نبوده‌اند. همین وضع تا تدوین برنامه ۱۳۴۵ وجود داشته است. در



شکل ۵ جایگاه برنامه درسی آموزش دینی در مقایسه با برنامه درسی آموزش ریاضی (متوسط زمان‌های روزانه)

مورد نظر وزارت فرهنگ، از سال ۱۳۱۶ هـ ش آغاز شده است [۳۹] و در سال ۱۳۳۵ هـ ش، اساسنامه‌ای به تصویب رسیده است که مقرر می‌دارد «کتاب‌های درسی به منظور حصول اطمینان از صحت مطالب، هماهنگی با برنامه، رعایت نظم منطقی و هماهنگی اصطلاحات، سادگی و روانی عبارات و ملاحظات تربیتی، در کمیسیون‌هایی مورد رسیدگی قرار گیرند و ناشران در چاپ کتاب‌ها نکات مورد نظر وزارت فرهنگ را مراعات کنند.» [۴۰]. در سال ۱۳۴۲ هـ ش، سازمان کتاب‌های درسی ایران تأسیس شد که یکی از وظایف آن، تهذیب، تنقیح و تکمیل کتاب‌های تألیف شده بود و شاید بدین منظور اداره نظارت و ارزشیابی پدید آمد. این اداره فعالیت خود را با نظرخواهی از معلمان، اولیا، دانش‌آموزان، گروه‌های آموزشی و همچنین تحلیل نمرات درسی دانش‌آموزان به منظور ارزشیابی کتاب‌های تهیه شده، آغاز کرد که روح ارزشیابی حاکم بر این فعالیت‌ها، کمی‌نگری بوده است [۴۱]. گرچه پس از اجرای نظام جدید آموزشی در سال ۱۳۴۵ هـ ش، تلاش فراوانی برای ارزشیابی برنامه درسی به عمل آمده است و برخی از پژوهش‌ها با چنین هدفی انجام شده‌اند و نتیجه آن افزایش قابل توجه گزارش‌هایی است که نام ارزشیابی را بر خود دارند، اما اغلب این گزارش‌ها دارای ویژگی‌های ارزشیابی نبوده‌اند [۳۱، ۳۲، ۳۶، ۴۱]. این گزارش‌ها، به ارایه توصیفی نظرات کسانی می‌پردازند که از طریق پرسشنامه به ارایه نظر پرداخته‌اند و تحلیل‌های



آموزش‌های دینی دهه اخیر بیش‌تر از دهه‌های قبل از ارایه فعال، بهره‌برده‌اند، هر چند که تا دستیابی به حد مطلوب هنوز راه درازی در پیش است.

۶- زمان آموزش‌های دینی طی صد سال گذشته از قاعده خاصی پیروی نکرده است. در بیش‌تر برنامه‌ها، ارایه مطالب دینی به دانش‌آموزان از پایه اول (خواه به صورت جدا از سایر آموزش‌ها و یا به صورت ادغام شده با آموزش‌های دیگر) آغاز شده است. از سال ۱۳۴۲ به بعد زمان آموزش‌های دینی به‌طور متوسط در مقطع ابتدایی افزایش یافته است. کم‌ترین و بیش‌ترین زمان اختصاص یافته به آموزش‌های دینی در مقطع ابتدایی به ترتیب مربوط به برنامه سال‌های ۱۳۱۹ و ۱۳۰۶ بوده است در عین حال بین میزان زمان اختصاص یافته به آموزش‌های دینی و پایه‌های تحصیلی پنجگانه دوره ابتدایی رابطه مثبت دیده می‌شود. به‌طور متوسط در برنامه‌های مختلف آموزش ابتدایی حدود ۹/۴ درصد زمان به آموزش‌های دینی اختصاص یافته است. تعیین جایگاه آموزش‌های دینی در بین برنامه‌های روزانه و هفتگی دانش‌آموزان همواره در اختیار مدرسه بوده است و مسئولان مدرسه متناسب با آگاهی، تجربه و سلیقه خود به برنامه‌ریزی اقدام کرده‌اند.

۷- ارزشیابی برنامه درسی، به معنایی که مورد نظر برنامه ریزان درسی است در برنامه‌های درسی آموزش دینی دوره ابتدایی رواج نداشته است. معمولاً ارزشیابی با سنجش عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان یکسان پنداشته شده و برای این امر قوانینی به تصویب رسیده است و محور اصلی اندازه‌گیری میزان تغییرات حاصل را آزمون‌های کتبی تشکیل داده‌اند.

## ۵- پیشنهادها

۱- تحولات صد سال گذشته به گونه‌ای بوده که کتاب درسی را اهمیت فراوان بخشیده است و این کار از طرفی نقش معلم را کم کرده و از طرف دیگر سایر عناصر برنامه درسی را از نظرها مخفی داشته است. بنابراین لازم است برای آموزش‌های دینی همه عناصر برنامه

برنامه سال ۱۳۴۵ هدف‌های خاص درس تربیت و تعلیم دینی به شکل کلی برای دوره ابتدایی مطرح شده‌اند. گرچه این هدف‌ها نسبت به اسلاف خود بسیار بهبود یافته‌اند، اما از کاستی و نقص بی‌بهره نیستند.

۲- روند حاکم بر انتخاب محتوای برنامه درسی آموزش دینی، محدودسازی نقش معلم بوده است. تا قبل از سال ۱۳۰۶ معلمان در انتخاب محتوای درس خود آزاد بوده‌اند و هر معلمی محتوای ویژه برای درس خود برمی‌گزیده است، از ۱۳۰۶ به بعد معلم در انتخاب یک کتاب از میان کتاب‌های مورد تأیید وزارت فرهنگ مختار بوده است و از سال ۱۳۴۵ تاکنون، معلمان فقط مجاز به تدریس کتاب خاصی بوده‌اند که نظام آموزشی تجویز کرده است.

۳- سازمان‌دهی محتوای برنامه درسی آموزش دینی در دوره انتخاب آزاد (تا ۱۳۰۶) کم‌تر مبتنی بر اصول (وحدت و مداومت) بوده است. از سال ۱۳۰۶ به بعد کم و بیش زمینه رعایت اصول فراهم شده و توجه به اصول بیش‌تر گردیده است. در برنامه‌هایی که پس از سال ۱۳۴۵ تهیه شده‌اند، ارتباط عمودی مطالب بیش‌تر از ارتباط افقی رعایت گردیده است.

۴- ابزار ارایه محتوای برنامه درسی آموزش دینی در نظام مدرسه‌ای ایران، معلم و کتاب درسی بوده است. تحولات صد سال گذشته با افزایش نقش کتاب درسی همراه بوده است. در ابتدای شکل‌گیری آموزش ابتدایی، معلم نقش اصلی را داشته است اما در حال حاضر کتاب درسی نقش محوری یافته است و معلم ارایه‌کننده و توضیح‌دهنده کتاب درسی شده است. همچنین کتاب درسی پایه‌های بیش‌تری را طی صد سال گذشته تحت پوشش خود قرار داده است. در ابتدا برای پایه‌های اول و دوم کتاب درسی وجود نداشت، اما اکنون پایه اول نیز از کتاب درسی تعلیمات دینی بی‌بهره نمانده است.

۵- تغییر برنامه‌های آموزش ابتدایی طی صد سال گذشته با گسترش روش ارایه کتبی همراه بوده است. همچنین طی این مدت روش ارایه فعال بیش‌تر مورد توجه قرار گرفته است. هم در ارایه شفاهی و هم در ارایه کتبی،



### منابع

۱. تاریخچه معارف ایران (۱۳۱۳) مجله تعلیم و تربیت، سال چهارم شماره ۹.
۲. کمپفر، انکلبرت (۱۳۶۳) سفرنامه کمپفر، ترجمه کیکاوس جهاننداری، انتشارات خوارزمی، چاپ سوم، تهران.
۳. ره‌آورد، حسن (۱۳۲۷) تاریخچه فرهنگ ایران، سالنامه و آمار سال‌های ۱۳۲۲ تا ۱۳۲۷، وزارت فرهنگ، تهران.
۴. ثواقب، جهانبخش (۱۳۶۹) مروری بر تاریخچه مدارس جدید در ایران، روزنامه اطلاعات، شماره ۱۹۱۷.
۵. اداره کل نگارش (دایره آمار) (۱۳۱۷) قانون اساسی معارف، سالنامه و آمار سال‌های ۱۳۱۵ تا ۱۳۱۷، تهران، ص ۱-۴.
۶. موسی‌پور، نعمت‌ا... (۱۳۷۴) روند تحول روش در برنامه‌های آموزش ابتدایی ایران (از ۱۲۸۸ تا کنون)، سمینار نقش و جایگاه مطلوب آموزش ابتدایی در جامعه اصفهان.
7. Schoberl, W.H. (1986) *Curriculum: Perspective, Paradigm and possibility*, New York: Macmillan.
۸. سیلور، الکساندر و لوئیس (۱۳۷۲) برنامه‌ریزی درسی برای تدریس و یادگیری بهتر، ترجمه غلامرضا خوبی‌نژاد، آستان قدس رضوی، مشهد.
9. Zais, R.S. (1976) *Curriculum: Principles and Foundations*. New York: Thomas Y. crowell.
10. Eisner, E.W. (1979) *The Educational Imagination: on the Design and Education of School Program*, Macmillan, New York.
11. Glen, Hass (1983) *Curriculum Planning: a New Approach*, Fourth Edition, U.S.A
12. Hargreaves, Andy and Roy Evans (1997) *Beyond Educational Reform*, open university press, Philadelphia
۱۳. تایلر، رالف (۱۳۵۱) اصول اساسی برنامه‌ریزی درسی و آموزش، ترجمه ابراهیم کظیمی، مرکز تحقیقات و برنامه‌ریزی درسی وزارت آموزش و پرورش، چاپ اول، تهران.
۱۴. کلانین، فرانسیس (۱۳۶۷) الگوهای طراحی برنامه درسی، ترجمه دکتر محمود مهرمحمدی، فصلنامه تعلیم و تربیت، شماره مسلسل ۱۵ و ۱۶ تهران.
۱۵. می‌گر، رابرت ف (۱۳۷۶) تدارک هدف‌های آموزشی، ترجمه بهرام زنگنه و محمدحسین شمشیری، دانشگاه آزاد ایران، تهران، چاپ دوم.
۱۶. موسی‌پور، نعمت‌ا... (۱۳۷۶) تحول هدف‌ها در برنامه‌های آموزش ابتدایی ایران، فصلنامه تعلیم و تربیت، شماره ۴۹.
۱۷. اداره کل نگارش (دایره آمار) (۱۳۲۲) برنامه تحصیلات ابتدایی، سالنامه و آمار سال‌های ۱۳۱۹ تا ۱۳۲۲، وزارت فرهنگ، تهران، ص ۴۴۰-۵۴۲.
۱۸. اداره کل تعلیمات ابتدایی کشور (۱۳۳۸) اصول کلی و برنامه تحصیلات شش ساله ابتدایی پسران و دختران وزارت فرهنگ، تهران.

درسی مورد نظر قرار گیرد و براساس اصول و معیارهای برنامه‌ریزی درسی به تهیه آن‌ها اقدام شود. همچنین لازم است به نقش معلم به عنوان حلقه اصلی ارتباط نظام برنامه‌ریزی و یادگیرندگان توجه شود و به او اختیارات لازم برای تحکیم این پیوند داده شود. دخالت معلم در کار برنامه‌ریزی، اجراء و ارزشیابی سبب خواهد شد تا آموختن برای معلمان معنا یابد و آموزش‌های پیش از خدمت و ضمن خدمت اهمیت پیدا کند و معلم خود را صاحب آموزش بدانند و بدین ترتیب شوق او برای بهبود آموزش افزایش یابد.

۲- تهیه برنامه‌های آموزش دینی صد سال گذشته به ندرت توأم با ارزشیابی بوده است، حال آن‌که در برنامه‌ریزی همواره باید تصمیم گرفت و تصمیم‌گیری صحیح نیز زمانی میسر است که مبتنی بر ارزشیابی باشد. این کاستی بی شک باید رفع شود و برنامه‌ریزی آموزش دینی با ارزشیابی هم‌نشین گردد. البته در شرایط فعلی ضروری است که برنامه‌های موجود آموزش دینی مورد ارزشیابی قرار گیرند تا کاستی‌ها و راستی‌های آن‌ها بر ملا شود و تجدید نظر و اصلاح یا تغییر آن‌ها بر این اساس صورت پذیرد. چنین کاری می‌تواند اطلاعات لازم برای تهیه شناسنامه برنامه درسی را فراهم آورد.

۳- گرچه ارزشیابی می‌تواند مبنایی برای تصمیم‌گیری باشد، اما خود، سنگ زیرین نیست. برای ارزشیابی لازم است معیارهایی فراهم آید که چنین معیارهایی را پژوهش‌های جدی و بنیادی فراهم می‌آورند. نه تنها در باب آموزش‌های دینی که درباره بیشتر آموزش‌های دوره ابتدایی، مباحث پژوهشی مستحکم و پایداری وجود ندارد. اکنون زمان آن است که چنین مباحثی پدید آیند. پژوهش باید در باب مسایل مختلف آموزش دینی (از قبیل ملاک‌ها و منابع انتخاب محتوا، روش، زمان، فضا و ابزار مناسب ارایه، اصول و ملاک‌های سازمان‌دهی) رونق یابد و جواب بسیاری از پرسش‌ها از این طریق به دست آید.



۳۵. موسی پور، نعمت... (۱۳۷۸) روند تحولات عنصر زمان در برنامه‌های درسی مقطع ابتدایی ایران (۱۳۷۷-۱۳۸۸ ه.ش)، فصلنامه تعلیم و تربیت، شماره ۵۷، صص ۹۷-۱۱۶.
۳۶. مرکز تحقیقات و برنامه‌ریزی درسی (۱۳۵۴) گزارش ارزشیابی فعالیت‌های سال سوم مدارس راهنمایی تحصیلی، تهران.
۳۷. وزارت آموزش و پرورش (۱۳۶۹) برنامه‌ریزی و اداره کلاس‌های چند پایه، تهران.
۳۸. شورای عالی آموزش و پرورش (۱۳۷۳) ساعات کارهفتگی مدارس دوره ابتدایی، مصوبات هفتادمین جلسه به تاریخ ۱۳/۵/۱۳۷۳.
۳۹. ریاحی (۱۳۴۲) داستانی به نام کتاب درسی، ماهنامه آموزش و پرورش، شماره چهارم، دوره ۳۳.
۴۰. نائینی، محمد کاظم (۱۳۶۲) تاریچه سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی، سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی، نشریه شماره ۱۰۰، تهران.
۴۱. مرکز تحقیقات و برنامه‌ریزی درسی (۱۳۵۱) گزارش مراحل اجرایی فعالیت‌ها و برنامه‌های درسی سال اول مدارس راهنمایی تحصیلی، تهران.
۴۲. وزارت آموزش و پرورش (۱۳۵۲) آیین‌نامه امتحانات، اساسنامه‌ها و آیین‌نامه‌ها، تهران.
۴۳. کیامنش، علیرضا (۱۳۷۰) رابطه ارزشیابی و هدف‌های آموزشی، فصلنامه تعلیم و تربیت، شماره مسلسل ۲۶، تهران.
۴۴. شورای عالی آموزش و پرورش (۱۳۶۸) آیین‌نامه امتحانات دوره پنجساله ابتدایی، مصوبات جلسه چهارصد و هشتاد و نهم به تاریخ ۱۳۶۸/۵/۹.
۴۵. اداره کل نگارش (دایره آمار) (۱۳۱۷) برنامه تحصیلات ابتدایی، سالنامه و آمار سال‌های ۱۳۱۵ تا ۱۳۱۷، تهران، صص ۹۱۸-۹۳۸.
۴۶. وزارت معارف و صنایع مستظرفه (۱۳۰۶) دستور تعلیمات شش ساله ابتدایی، تهران (این سند در سازمان اسناد ملی ایران تحت تنظیم شماره ۵۱۰۱۲، پاکت شماره ۸۸۳ و آلبوم شماره ۴۶ موجود است).
۴۷. وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه (بی تا) نظامنامه مدارس ابتدایی و متوسطه، تهران (زمان وزارت نصیرالدوله).
۴۸. وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه (۱۳۱۳) نظامنامه دبستان، چاپ فردوسی، تهران.
۴۹. وزارت فرهنگ (۱۳۴۳) اداره کل تعلیمات ابتدایی، آیین‌نامه دبستان‌ها، تهران.
۱۹. اداره کل مطالعات و برنامه‌ها (۱۳۴۲) برنامه رسمی تحصیلات چهار سال ابتدایی، وزارت فرهنگ، تهران.
۲۰. وزارت آموزش و پرورش (۱۳۴۵) برنامه تربیت و تعلیم دینی دوره پنجساله ابتدایی، تهران.
۲۱. مرکز تحقیقات برنامه درسی (۱۳۵۰ الف) ارزشیابی برنامه‌های درسی سال پنجم ابتدایی، نشریه شماره ۱۳، تهران.
۲۲. شورای تغییر بنیادی نظام آموزش و پرورش (۱۳۶۷) طرح کلیات نظام آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران، ستاد اجرایی تغییر بنیادی نظام آموزش و پرورش، تهران.
23. Lewy, A. (1991) *National and School - Based Development UNESCO, Paris.*
24. Saber, B. (1990) "School-Based Curriculum", in *Curriculum Encyclopaia, pergamon press, oxford.*
۲۵. سیدجلال‌الدین (۱۳۲۶) تعلیمات دینی (کتاب درسی)، کتاب فروشی مظفری، تهران.
۲۶. خوشنویس، طاهر (۱۳۳۱) تعلیمات دینی (کتاب درسی)، ناشر مؤلف، تهران.
۲۷. باهنر، محمد جواد و علی گلزاده‌غفوری (۱۳۴۵) تربیت و تعلیم دینی (کتاب درسی)، جامعه تعلیمات اسلامی، تهران.
۲۸. دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتاب‌های درسی (۱۳۸۰) آموزش قرآن، اداره کل چاپ و توزیع کتاب‌های درسی، چاپ چهارم، تهران.
۲۹. موسی پور، نعمت... (۱۳۷۰) ارزشیابی شیوه‌ارایه محتوای کتاب‌های فرهنگ اسلامی و تعلیمات دینی مقطع ابتدایی، رساله کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت معلم، تهران.
۳۰. مرکز تحقیقات و برنامه‌ریزی درسی (۱۳۵۰ ب) طرح جدید آموزش و پرورش (۴)، وزارت آموزش و پرورش، تهران.
۳۱. مرکز تحقیقات و برنامه‌ریزی درسی (۱۳۵۲) ارزشیابی برنامه و کتاب تعلیمات دینی پایه سوم دوره پنجساله ابتدایی، نشریه شماره ۳۹، تهران.
۳۲. مرکز تحقیقات و برنامه‌ریزی درسی (۱۳۵۳) ارزشیابی برنامه و کتاب تعلیمات دینی پایه پنجم دوره پنجساله ابتدایی، نشریه شماره ۴۶، تهران.
۳۳. زرین پوش، فتانه (۱۳۶۶) تربیت اخلاقی در دوره دبستان، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت مدرس، تهران.
۳۴. منشی زادگان، امیر هوشنگ (۱۳۷۳) بررسی نگرش اولیاء و معلمان نسبت به کتاب‌های تعلیمات دینی مقطع ابتدایی، پایان‌نامه کارشناسی مرکز آموزش عالی ضمن خدمت فرهنگیان، سمنان.